

کتاب

روزگار سرد و قطبی آقای فوسه!

راوی ناگفته‌ها به خاطر
نمایشنامه‌هایش
نوبل ادبیات را به خانه برد



یادداشت دبیر

در این شماره خواهید خواند

نوبل، حافظ،
صلح بر باد رفته

محمد علی یزدانپار

دبیر گروه کتاب

Mohammadaliyazdanyar@gmail.com

اول. دوست عزیز و بزرگوارمان جناب آقای فوسه نوبل را به خانه بردند. لازم می‌دانم از همین تریبون اشاره کنم که به نظر من - که باید نظری جدی و فصل الخطاب تلقی شود! - جایزه نوبل باید به نویسنده برسد یا شاعر. دیگر ناداستان نویس و نمایشنامه نویس و خواننده و اینها که نشدند برنده نوبل ادبی آقا جان!

البته، فارغ از شوخی و سلاقی شخصی، برندگان نوبل ادبی را دنبال کنید، رویکرد دو دهه اخیر نوبل در ادبیات پنجره‌های جدیدی در گوشه و کنار جهان ادبیات را به روی شما می‌گشاید. دوم. سعیدامردنکونام نمیرد هرگز که روز بزرگداشت حافظ را به چشم ببیند! بله! بیستم مهرماه روز بزرگداشت حضرت حافظ، این بزرگترین شاعر زبان شیرین پارسی است و در این روز برنامه‌های زیادی در سراسر کشور برای استاد تدارک دیده شده است. حافظ اساساً نمونه‌ای است غریب از نفوذ ادبیات در بین

آحاد مردم. از ما کتابخوان تر در دنیا زیاد هستند و این حقیقتی است که نمی‌توان کتمان کرد، حتی پیوند مردم مثلاً روسیه با نویسندگان و شعرای بزرگشان به احتمال زیاد پیوندی است محکم‌تر از آنچه ما با حافظ داریم، اما حافظ همانی است که می‌گویند در خانه هر ایرانی کنار قرآن یکی از کتاب او هم قرار دارد و از این هم جالب‌تر، شما کجای دنیا دیده‌اید به کتاب مشاهیرشان مراجعه کنند که تقدیر و آینده مردم را بفهمند؟ این «فال حافظ» که ما می‌گیریم عمیق‌ترین نفوذ یک ادیب در متن زندگی مردم خودش است و تا جایی که من در جریانم هیچ مشابهی هم ندارد!

سوم و نهایتاً در این شماره نگاهی انداخته‌ایم به کتاب «صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد» و شاید بگید مگر اصلاً چنین چیزی ممکن است؟ بله که ممکن است، مگر اول هفته را یادتان رفته؟

آقایان و خانم‌ها، نوبل ۲۰۲۳ به یون فوسه، نمایشنامه‌نویس شهیر نروژی رسید و هیأت داوران در بیانیه‌ای گفته است این جایزه را برای «نمایشنامه‌های بدیع و نثر او که ناگفتنی‌ها را می‌گوید»، به آقای فوسه اهدا کرده است. بنابراین با هم نگاهی اجمالی به یون فوسه و آثارش داشته باشیم.

اطلاعات و بکی پدیایی آقای فوسه

یون فوسه در سال ۱۹۵۹ در هوگسوند نروژ به دنیا آمد و در استرنبارم بزرگ شد. تجربه تصادفی شدید در هفت سالگی که او را به مرگ نزدیک کرد، به طور قابل توجهی بر نوشتن او در بزرگسالی تأثیرگذار بود. فوسه تحصیلات رشته ادبیات تطبیقی ادامه داد. اولین رمان فوسه به نام «قرمز، سیاه» در سال ۱۹۸۳ منتشر شد و اولین نمایشنامه‌اش با نام «و ما هرگز از هم جدا نمی‌شویم»، در سال ۱۹۹۴ اجرا و منتشر شد. در کارنامه ادبی فوسه علاوه بر رمان و نمایشنامه آثاری در زمینه داستان کوتاه، شعر، کتاب کودکان و مقاله نیز به چشم می‌خورد.

زندگی ادبی آقای فوسه

فوسه از آن دسته نویسندگانی است که در زمینه‌های زیادی طبع آزمایی کرده است، او در ابتدا با رمان شروع کرد و «قایق خانه» را نوشت که برایش موفقیتی قابل توجه به دست آورد. سپس بار و بندیش را بست و به سمت نمایشنامه‌نویسی کوچ کرد. او در این میان بارها بین نثر، شعر، نمایشنامه و جستار رفت و برگشت. او در تمامی زمینه‌هایی که دست به قلم شد کارنامه‌ای پرو پیمان به جای گذاشته است.

جوایز جناب آقای فوسه

یون فوسه تا به حال بیش از ۲۰ جایزه کوچک و بزرگ در جهان ادبیات را به خانه برده است، جایزه ایبسن در سال ۱۹۹۶، نشان شوالیه در فرانسه و نشان ملی در نروژ، چندین و چند جایزه ادبی در سوئد و نروژ، چند جایزه مختص ادبیات نوردیک و این نوبل که اخیراً به تالار افتخارات خودش اضافه کرد تنها بخشی از فهرست پرو پیمان جوایز او هستند.

درباره مضمون و محتوای آثار فوسه

تینوش نظم جو مترجم ادبی و کارگردان نتاثر در مورد فوسه و آثارش می‌گوید: «این رمان نویسی که به صورت اتفاقی نمایشنامه نویسی شد، در گذشته رابطه خوبی با نتاثر نداشت زیرا در نتاثر تنها شاهد فرهنگ و قراردادهای فرهنگی ملالت بار بود در حالی که در ادبیات طلایی غیرانسانی را کشف کرده بود که ریشه در سکوت داشت و بنابراین در نمایشنامه‌هایش نیز می‌کوشد سکوتی معذب ایجاد کند. وی، عدم نقطه گذاری و استفاده از علائم نگارشی، فشرده‌گی و تکراری بودن کلمات و تعداد اندک شخصیت‌ها را از جمله ویژگی‌های سبک نمایشنامه‌نویسی فوسه دانست و گفت: در نمایشنامه‌های او اتفاقات ساده‌ای رخ می‌دهند اما نوع دیالوگ‌ها و فشرده‌گی آنها، این اتفاقات ساده را تبدیل به رویدادهایی بزرگ می‌نماید.» این نقل قول کمابیش همان چیزی است که باید در مورد فوسه بدانید. عده دیگری فوسه را بزرگترین نمایشنامه‌نویس نروژ و اسکاندیناوی می‌دانند. برای آنها فوسه صدایی است که پس از صد سال دوباره یادآور ایبسن و شاهکارهایش است. این شباهت البته بیشتر در زمینه موضوع و مضمون به چشم می‌آید و گرنه در

نثر و تکنیک نوشتاری، فوسه و ایبسن تفاوت‌های بزرگی دارند. با این همه فوسه از این مقایسه اصلاً خوشش نمی‌آید، او در واکنش به لقب «ایبسن نو» یک بار گفته بود گرچه برای ایبسن به عنوان یکی از بزرگترین مؤلفان دوران بسیار احترام قائل است اما آثار او را اصلاً دوست ندارد چون نفرت در این آثار موج می‌زند. او خود معتقد است که بیشتر تحت تأثیر ساموئل بکت قرار داشته و حتی دوست دارد که رد این تأثیرات را در آثار متأخر خودش پیدا کند.

و آخرین نکته، فوسه چگونه می‌نویسد؟

او می‌گوید: برای نوشتن هرگز از موضوع شروع نمی‌کنم. آن چیزی که برای من بیشتر از همه جالب است، داشتن فرم است: «نوشتن» از همه چیز مهم‌تر است. بعد از آن هرکسی، می‌تواند هرچه دوست دارد، از نوشته‌هایم برداشت و استنباط کند. فکر کنم دلیل اصلی اینکه چرا نوشته‌های من در همه جای دنیا کار شده‌اند، همین باشد: چون می‌شود از آنها به راحتی استنباط‌های مختلفی کرد.



یون فوسه در سال ۱۹۵۹ در هوگسوند نروژ به دنیا آمد و در استرنبارم بزرگ شد. تجربه تصادفی شدید در هفت سالگی که او را به مرگ نزدیک کرد، به طور قابل توجهی بر نوشتن او در بزرگسالی تأثیرگذار بود.

فوسه تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه برگن و در رشته ادبیات تطبیقی ادامه داد



حافظ همانی است که می‌گویند در خانه هر ایرانی کنار قرآن یکی از کتاب او هم قرار دارد و از این هم جالب‌تر، شما کجای دنیا دیده‌اید به کتاب مشاهیرشان مراجعه کنند که تقدیر و آینده مردم را بفهمند؟ این «فال حافظ» که ما می‌گیریم عمیق‌ترین نفوذ یک ادیب در متن زندگی مردم خودش است